

نقد مستقل دوم و سوم نیز برترجمه آقای پاینده توسط شادروان علامه فرزانه و غلامرضا ظاهر به چاپ رسید .

پس از مقالات این سه تن که در سالهای ۲۷، ۲۸ و ۴۰ منتشر شد ، تاریخچه نقد ترجمه های قرآن با رکودی ۱۸ ساله روبه رو شد . در سال ۵۹ مقاله ای از مرحوم محیط طباطبایی در نقد ترجمه شهرام هدایت به چاپ رسید . اما در سال ۷۲ با چاپ کتاب قرآن پژوهی توسط بهاءالدین خرمشاهی شاهد چند نقد جدی و جدید بر ترجمه های فارسی آیتی ، بهبودی ، فارسی ، خواجهوی و الهی قمشه ای بودیم .

این روند در سال ۷۵ با چاپ حدود ۲۳ مقاله در نقد و جواب نقد به اوج خود رسید و پس از آن با سیر نزولی روبه رو شد .

عنوان مقاله: ادبیات پرخاشگر، زمینه های اجتماعی و آثار آن

نویسنده: حسین قربانپور آرائی

مآخذ: کیهان فرهنگی ، س شانزدهم ، ش ۱۶۱ (اسفندماه ۱۳۷۸) ص ۲۶-۳۰

در این مقاله نویسنده پس از تعریف ادبیات پرخاشگر نوشته است : در اندیشه ایرانی و ادبیات فارسی از نخستین قرنهای پس از اسلام ، آثاری هست که در آنها انتقادهای سیاسی و اجتماعی یافت می شود . از قدیمترین روزگار در نتیجه رویدادهای اجتماعی ، نهضتهایی شکل گرفت که هدف آنها انتقاد از اوضاع جامعه و در برخی موارد نوعی پرخاش در برابر عوامل مسلط بر جامعه بوده است که از هر کدام ، آثاری در ادبیات فارسی وجود دارد . سرآغاز پیدایش فکری این نوع نگرش انتقادی و پرخاشگر همواره با دوره های آشفتگی اجتماعی و سیاسی تاریخ این سرزمین مقارن بوده است .

در نخستین قرنهای پس از اسلام ، نهضت شعوبیه با بینش انتقادی خاص خود در خور توجه است ؛ همچنین حرکت روحانی و معنوی تصوف و نارضایی

شیعه در برابر دستگاه خلافت و نیز پیدایش تفکر کلامی معتزله و اسماعیلیه در برابر تسلط کلامی اشاعره بویژه پس از شدت یافتن تعصبات مذهبی در قرنهای پنجم و ششم و تسلط قبایل ترک بر ایران - که در ادبیات فارسی نیز بازتاب یافته - همه حاصل نوعی نگرش انتقادی در برابر اندیشه حاکم و مقاومت در برابر آن است .

این گونه انتقادها در قرنهای هفتم و هشتم و پس از حمله مغول و رواج فساد رد جامعه در ادبیات فارسی شدت بیشتری یافت و بسیاری از شاعران خانقاهی و نیز رندان و دانایان زمان به انتقاد از اوضاع جامعه پرداختند ؛ اما بارزترین تجلی ادبیات پرخاشگر در عصر مشروطیت ، و تنها در این دوره است که نهضتی اجتماعی پدید آمد که هدف آن پیکار عملی برای اصلاح جامعه و بهبود اوضاع مردم بود . بنابر آنچه گفته شد ادبیات انتقادی و پرخاشگر فارسی در این سه دوره قابل بررسی است . نویسنده در این مقاله، دربارهٔ اوضاع اجتماعی، شاعران و آثار انتقادی که در این دوره ها پدید آمده ، مطالبی نوشته است .

عنوان مقاله: تأملی در جهت داری ادبیات

نویسنده: محمد مهدی بهداروند

مآخذ: کیهان فرهنگی، س شانزدهم، ش ۱۶۰، (بهمن ماه ۱۳۷۸)، ص ۲۲-۱۳

در این مقاله ، نویسنده نخست به تحلیل ادبیات و علل سقوط ارزشهای اخلاقی در غرب پرداخته و نوشته است : با کارآمد شدن رنسانس ، جهان نگری اومانیستی مبتنی بر نفی اندیشهٔ دینی ، هدفدار و ذی شعور بودن عالم را نیز انکار کرد و ارزشهای اخلاقی را مسائلی فردی و شخصی دانست . این فردی و نسبی شدن ارزشها ، بحران اخلاقی تمدن غرب را به وجود آورد . ادبیات موجود به همراهی تمامی ساختارها و شاخصها و ابعاد توصیفی خود بر نوعی

جهان بینی مادی، مبتنی است که ادیب و ادبیات و ادب را برپایه حس و تجربه و کارآمدی مادی تعریف و معرفی می کند. نویسنده انسانها و آثارشان را در عرصه ادبیات به دو دسته متعهد و غیر متعهد تقسیم و جهت دار بودن ادبیات را در ابعاد مختلف بررسی کرده است:

جهت داری ادبیات و زبان: با مقایسه متون و کتابهای دوره های مختلف روشن می شود که تغییر و تحول در تمام مراحل تاریخ در ادبیات از صرف و نحو و معانی و بیان به تناسب وضعیت روحی و اجتماعی جامعه وجود داشته است. با توجه به اینکه ادبیات در مسیر رشد و حرکت است در هر عصر و زمان متناسب با هدفی خاص، ترکیباتی خاص دارد که اگر در آن هدف تغییراتی حاصل شود، طبعاً آثار این تغییرات در ادبیات نیز ملموس و مشهود می شود. جهت داری ادبیات از موضع ارتباط با فرهنگ نیز قابل توجه است. فرم و کیفیت اجتماعی مفاهیم و لغات، نشانگر کیفیت بروز فکر و اندیشه در آن جامعه است.

جهت داری ادبیات از موضع مفاهیم: مفاهیمی که مجموعه معارف و اعتقادات هر فرهنگ را تشکیل می دهد، همه در ارتباط با جوهره اصلی و یک حقیقت شکل می گیرد. تمام تعاریف درون هر مجموعه فرهنگی حول آن محور حاکم و جهت کلی فرهنگ ارائه می گردد؛ اگر جهتگیری حاکم بر فرهنگ، جهتی الهی و اسلامی نداشته باشد، طبعاً معنا و مفهوم کلمات هم بر آن اساس هویت می یابد؛ مثلاً مفهوم عفت در جوامع اسلامی و غرب با هم متفاوت است. نکته مهم این است که ادبیات هر جامعه ای در به جریان انداختن این مفاهیم در جامعه نقش اساسی دارد.

نقش استعمار در جهت داری ادبیات: در رژیم پهلوی برخورد خصمانه با زبان عربی و لسان قرآنی، تلاش ملی گراها برای حذف کلمات عربی از زبان فارسی، ورود سبکهای مختلف نویسندگان غرب به وسیله ترجمه و ورود تکنولوژی

تئاتر و سینما پیامدهای غیر قابل جبران و سهمگینی در هجوم به فرهنگ و ادبیات دینی و ملی ما داشته است. آزاد بودن نویسندگان چپگرا در ارائه تفکرات مارکیستی نیز گرایشهای بخشی از ادبیات و زبان این ملت را به سمت فرهنگ شرق نشان می دهد.

استعمار ملتها منحصر به ارتباطات نظامی و سیاسی و صنعتی نبوده و نیست؛ بلکه در موضع فرهنگ و ادبیات نیز زنجیرهای استعمار توانسته است دامنه فرهنگ ملتها را در بر گرفته و در هرملکتی آثار خاص خود را به جای بگذارد.

جهت داری ادبیات از موضع زیباشناسی: زیباشناسی را می توان در نظام حساسیتهای شاعر و نویسنده و ادیب قرار داد. اینکه چه چیزی در نظر شاعر زشت است و چه چیزی زیبا، گویای این مطلب است که روحیات شاعر یا نویسنده در برخورد با موضوعات بر محور لذتهای مادی و دنیایی می چرخد یا اینکه برای زشتی و زیبایی، شاخص و معیار الهی دارد. اگر زشتی و زیبایی کلام بر محور انگیزه ها و تمایلات و فاعلیت انسانها شکل گیرد، طبیعی است کسی که دنیا را محور زیبایی قرار می دهد، ترکیب و قرار گرفتن سخنانش چه در سخنرانیها و چه در قطعات ادبی به گونه ای خواهد بود که تحریک هواها و حساسیتهای مادی را به دنبال خواهد داشت و در مقابل، جوهره و سیاق کلمات و جملات در یک قطعه ادبی الهی، خدا محوری را حتی تا گزینش کلمه ها جریان می دهد و آن را متناسب با اهداف و غایت خاص خود شکل خواهد داد و همین محور زیبایی در کلام است.

زیباشناسی براساس اصالت شرایط: هرگاه مجموعه عالم مستقل و بریده از غایت عالم آفرینش و جهت نمایی خلقت در نظر گرفته شود، توصیفها مادی و به تبع آن، توصیف از زیبایی و زشتی نیز مادی می گردد؛ ولی اگر قائل به آخرت و بهشت و جهنم باشیم، زیباییهای دنیا، زیباییهای حین کشت و زرع خواهد بود، نه زیباییهای ثمره و منفعتها.

آنچه تمدن موجود مادی و دنیایی برای بشریت به ارمغان آورده ، حاصل نگرش مادی در زیبایی است . ملتهای دنیا در نظام معیشت ، در کیفیت فرمها ، الگوها ، رنگها ، بسته بندیها و ... گرفتار زیباشناسی بوالهوسان دنیا پرستند که همه دعوتشان معطوف به زیباییهای فریبنده دنیایی است .

در پایان مقاله نویسنده معیار زیبایی و زشتی کاری را رضایت یا عدم رضایت خدا و معصومین از آن کار دانسته و نوشته است : زیبایی در ادبیات چیزی جز جریان محبت الهی نیست که در ادبیات خاص به نام ادعیه و زیارات به لسان معصومین علیهم السلام بیان شده است و ادعیه تکیه گاه زیباشناسی در ادبیات و زبان غیر معصومین بوده و راه ورود به فهم قرآن است . در رتبه غیر معصوم هرچه ادبیات ما به ادبیات وحی نزدیکتر باشد ، جریان یافتنش دوام بیشتر می یابد . گرچه هیچ وقت بر تاریخ حاکم نخواهیم شد ، ادبیات نزدیک به ادبیات وحی در تاریخ باقی می ماند.

عنوان مقاله: انقلاب اسلامی و شعر مذهبی در ایران

نویسنده: محمد کاظم کاظمی

مأخذ: کیهان فرهنگی ، سن شانزدهم ، ش ۱۶۰ (بهمن ماه ۱۳۷۸) ص ۲۶-۳۱

نویسنده در این مقاله ویژگیهای شعر مذهبی قبل و بعد از انقلاب اسلامی را برشمرده و اشعار مذهبی را به دو دسته تقسیم کرده است: شعر با موضوع مذهبی و شعر با موضوع مذهبی . شعر با موضوع مذهبی شعری است که صرفاً در موضوع مناقب و مراثی معصومین سوره می شود و یا به مناسبتهای مذهبی و فرایض دینی اشاره دارد . اما شعر با موضوع مذهبی ، شعری است که موضوعی عام دارد ؛ ولی نگاه شاعر به آن موضوع عام از منظر دین و به معارف دینی متکی است . نویسنده برای نشان دادن تفاوت این دو ، یکی از کعبه ستاییهای خاقانی را با یکی از قصاید ناصر خسرو که درباره حج سروده شده است ، مقایسه کرده و نشان داده است که در شعر خاقانی ،

کعبه فقط توصیف شده ، ولی شعر ناصر خسرو مملو از تعالیمی است که شاعر از منابع دینی ما درباره حج دریافته است .

در شعر کهن فارسی آثار کسانی همچون : فردوسی ، ناصر خسرو ، سنایی ، عطار ، مولانا ، سعدی و حافظ بیشتر موضع دینی داشته است ، نه موضوع دینی . در دوره صفوی شعرسرایی با موضوع مذهبی رواج پیدا کرد و به موازات همین رویکرد ، موضع مذهبی در شعر کمرنگتر شد . شعر دوره صفوی و قاجار در ستایشهای کلی و بدون جنبه های تعلیمی از بزرگان دین و مرثیه های سوزناک و بی هدف برای آنها سیر می کند. این گرایش سطحی و یک بعدی باعث شد که تفکرات دینی در شعر روبه فراموشی رود و با ظهور ناگهانی موج غربگرایی در دوره قاجار ، عملاً تفکری مذهبی که بتواند با جریانهای ضد مذهب مقابله کند در شعر ما وجود نداشته باشد.

چنین بود که از دوره مشروطه تا انقلاب اسلامی ، شعر مذهبی در همه اشکالش در انزوا و انفعال قرار داشت . در این دوره اشعار مذهبی غالباً به وسیله کسانی سروده می شد که از تحولات تکنیکی شعر در قرن اخیر بی بهره و گاه حتی با آن معارض بودند و به همین دلیل این باور تقویت شده بود که با حفظ معیارهای شعر امروز نمی توان شعر مذهبی سرود.

با ظهور امام خمینی (ره) و پیروزی انقلاب اسلامی ، نگرش جامعه به مذهب متفاوت شد و تحولی در درونمایه شعر به وجود آمد.

در دوره انقلاب اسلامی تواناترین و با استعدادترین شاعران ، علمداران شعر مذهبی بودند . نگاهی به شعر شاعرانی چون : علی معلم ، قیصر امین پور ، حسن حسینی ، سلمان هراتی ، محمدرضا عبدالملکیان ، احمد عزیزی ، قسار طهماسبی ، علی رضا قزوه و دیگر شاعران انقلاب اسلامی روشن می کند که تا چه اندازه گرایش به موضعهای مذهبی در شعر پس از انقلاب اسلامی بیشتر شده است . نویسنده با مقایسه ترکیب بند معروف محتشم درباره واقعه عاشورا با یکی از

اشعار علی معلم و قیصر امین پور نشان داده است که شعر انقلاب علاوه بر موضوع مذهبی از نظر موضع مذهبی نیز بسیار غنی است .
ارمغان انقلاب اسلامی برای شاعران امروز وحتى همه انسانها این بود که دین می تواند پاسخگوی همه نیازهای جامعه امروز باشد ؛ بنابراین می توان در هر نوع شعری به نگرشهای دینی متکی شد . نمی توان از شاعر مسلمان انتظار داشت که به معضل فقر و غنا از زاویه مارکیستی بنگرد و یا در شعرهای سیاسی خویش پیرو نظریه غربی باشد .

عنوان مقاله: شعر انقلاب و نگاهی تازه به مفاهیم دینی

نویسنده: مصطفی محدثی خراسانی

مأخذ: کیهان فرهنگی، س شائزدهم، ش ۱۶۰ (بهمن ماه ۱۳۷۸) ص ۴-۹

بخش عمده ای از شعر انقلاب با مفاهیمی ربط پیدا می کند که در حوزه دین و باورهای دینی قرار دارد . پس از انقلاب ، دین جاتمایه تفکر شاعران و محتوای شعر شد و توانست در پرواز بلند خویش به افقهایی در کهکشان دین و باورهای آن سیر کند که رهاورد آن ، تصویرهای تازه ای از متعلقات دین بود که گاهی برای خود دین باوران نیز تازگی داشت ؛ بدین گونه مفاهیم ارزشمند و بلندی چون : جهاد ، شهادت ، ایثار ، انفاق ، گذشت ، بعثت ، عاشورا ، امامت ، ولایت ، غدیر ، انتظار ، دعا ، عدالت و ... در معرض نگاه تازه شاعران انقلاب ، جلوه های متفاوت و تازه ای یافت . در این مقاله ، نویسنده با آوردن شواهدی از اشعار انقلاب ، ویژگیهای نگاه تازه آنان را به برخی از این موضوعات نشان داده است :

انتظار : منجی که شعر انقلاب منتظر اوست و آمدنش را نوید می دهد ، آن گونه که قبل از این معرفی می شد ، شخصیتی یک بعدی نیست . او افزون بر مبارزه با ستمگران به قصد گسترش رحمت الهی و برقراری عدالت خواهد آمد . اگر چه در یک دست آن بزرگ ، ذوالفقار مولا می درخشد و گردن مستکبران را

خواهد زد و به نگاه خیره پلنگان به ماه پایان خواهد داد؛ مقتدایی است که می شود در استقبالش ترانه خواند و تار نواخت. او یار غمگسار است. با ما زندگی خواهد کرد. در رهگذرها به ما سلام خواهد کرد و پاسخ سلام ما را خواهد داد. اینها توصیفات است که تصویر تازه ای از امان زمان را ارائه می دهد.

عاشورا: از برجسته ترین نگاه شعر انقلاب به عاشورا، معطوف شدن نظر شاعران به فلسفه قیام بوده است. آنچه پیش از این به آن پرداخته می شد، نگاهی بود که فقط مصیبت‌های حسین (ع) و اصحابش را می دید و با به تصویر کشیدن هر چه جانسوزتر آن، قصد تأثیر بر مخاطب را داشت. حسین در شعر انقلاب با قیام عاشورا و انتخاب مرگ سرخ، میزان و ملاک و معیاری شد که تا ابد می توان حق و باطل را با آن سنجید. عاشورا بودن تمامی زمانها و کربلا بودن تمامی مکانها از دیگر تذکراتی است که شعر انقلاب لحظه لحظه برزبان دارد و ما را به اردوگاه حسین می خواند.

از دیگر ویژگیهای شعر عاشورایی انقلاب، پرداختن به یاران ابا عبدالله (ع) است. زینب (س) علاوه بر تحمل مصیبت جانگداز کربلا و غم اسارت، نقشی در قیام حسین (ع) به عهده می گیرد که ماندن یا فراموش شدن قیام عاشورا به او بستگی دارد و اگر او نبود، کسی به یاد قیام عاشورا نمی افتاد. جریان شهادت حضرت عباس (ع) نیز یکی از مضمون‌سازترین موضوعات شعر انقلاب است. غدیر و ولایت: غدیر سرچشمه ولایت است و ولایت در شعر انقلاب به زندگی امت مفهوم می بخشد؛ یأسها را به امید مبدل می کند و در رگهای کسالت، خون خورشید می دواند و بدون ولایت، رودها به جای دریا، راهی مرداب خواهد شد.

عنوان مقاله: سیر و سلوک از منظر اقبال لاهوری

نویسنده: محمد سرگلزایی

مآخذ: کیهان فرهنگی، س شانزدهم، ش ۱۶۱ (اسفند ماه ۱۳۷۸) ص ۱۹-۲۲

در این مقاله نویسنده پس از اشاره ای کوتاه به دیدگاه های ابونصر سراج

توسی ، عطار و شیخ ابوالقاسم قشیری دربارهٔ مراحل مختلف مقامات و احوال ، نظر اقبال لاهوری را دربارهٔ مراحل سلوک ذکر کرده و در میان مطالب شواهدی از اشعار اقبال آورده است. از نظر اقبال، تکامل ذات انسان با گذر از سه مرحله تحقق می پذیرد که عبارت است از: اطاعت، ضبط نفس و مقام خلیفه الهی. در مرحله اول، سالک باید برای سامان بخشیدن به نیروهای درونی خویش ، خود را تحت کنترل و التزام ضوابط شرع قرار دهد تا بتواند بتدریج به صفات خداوند متصف ، و آنگاه وارد مرحله برتری از حیات بشود.

در مرحلهٔ دوم ، تسلط تامی بر نفس و عوارض نفسانی حاصل می شود . در این مرحله شخص از سطح متعارف حیات آدمیان بالاتر می رود و آرامش ویژه ای کسب می کند و در برابر محرکهای خارجی و داخلی پاسخهای متفاوت نسبت به مردم عادی از خود نشان می دهد . این امر ناشی از نوعی دگرگونی ذاتی است که در اثر آن تا حدود زیادی بینش سالک نسبت به پدیده ها تصحیح ، و از ظن و گمان و تخمین خلاص می شود.

مرحلهٔ نهایی تکامل از نظر اقبال ، نیابت الهی است . در این مرحله انسان ابتدا تحت اشراق صفات الهی قرار می گیرد تا اینکه در مرحله نهایی به وسیلهٔ ذات الهی اشراق می شود. از پدیدارهای این مرحله ، بروز قدرتهای ربانی در شخص سالک و حکمرانی بر طبیعت است که در شکل معجزات و کرامات تجلی می کند . پیامبران ، نمونه های اعلای مردانی هستند که به مرتبه نیابت الهی دست یافته اند. اقبال این مرحله را ، دورهٔ اکتشاف نیز نامیده است .

عنوان مقاله: بررسی اندیشه های دینی در اشعار ملک الشعرای بهار

نویسنده: مرتضی محسنی

مآخذ: مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد ، ش سوم و چهارم (س سی و یکم ، پاییز و زمستان ۷۷، تاریخ انتشار پاییز ۷۸)

ص ۵۶۳-۵۷۸

در این مقاله سعی شده است اندیشه های مذهبی در شعر ملک الشعرای بهار که نشاندهنده تفکر اجتماعی او نسبت به دین است مورد بررسی قرار گیرد. اندیشه های دینی بهار که در این مقاله آمده عبارت است از: نظر بهار راجع به دین و مظاهر آن، نقش و کارکرد دین، قرآن، پیامبران و امامان و متولیان دینی، تلقی مردم از دین و مکافات عمل.

در بررسی اندیشه بهار به این نتیجه می رسیم که در نظرگاه این شاعر، دین نهادی است که نقشهای اجتماعی گوناگون و در کنترل جامعه تأثیر بسزایی دارد. او مذهب را هدایت کننده فرد و جامعه می داند و تمام جلوه های آن را در ارتباط با اجتماع می بیند. او مانند یک اندیشمند اجتماعی از دین انتظار کارکرد اجتماعی دارد و برای آن نقش حیاتی قائل است و اجتماعات بشری را بدون آن مضمحل می شمارد.

بهار، هماهنگ با دیدگاه جامعه شناسان بر این باور است که ایفای نقشهای اجتماعی بنیادی و اساسی از جانب فقهای دین با تفقه در قوانین کلی دین اسلام ممکن می شود. او اجرای دستورات قرآن را موجب سرافرازی و رشد جامعه می داند. در نظرگاه او انبیا، امامان و اولیای الهی به عنوان رهبران جامعه برای اصلاح روابط و همبستگی اجتماعی از جانب خداوند مأمور بوده اند. در اندیشه بهار از جمله وظایف دینداران به دست گرفتن زمامداری جامعه است. او از عدم دخالت عده ای از دینداران در به دست گرفتن زمام امور دلگیر بود. با توجه به حاکمیت نوع خاص فرهنگ دینی در عهد بهار که بی تفاوتی را تبلیغ می کرد و دین را صرفاً پدیده ای فردی می دانست، اوسعی می کرد نقش اجتماعی دین را نشان دهد و برداشتهای سطحی و خرافاتی و نادرست مردم را از دین اصلاح کند.

بنابراین بهار همه جنبه های دین را با جامعه و مردم در پیوند می بیند. دین بدان جهت در فکر بهار از منزلتی ویژه برخوردار است که می تواند دنیا و

عقبای فرد را اصلاح کند و زمینه تعالی جامعه را در ابعاد مختلف فراهم آورد .
چنین دین پیشرو باید همگام با پیشرفت فرهنگ و تمدن بشری به سوی کمال
خود حرکت کند. دینداران نیز باید در جامعه ، دین را محور و اساس کارها قرار
دهند.

عنوان مقاله: سیمین دانشور ، بانوی اول داستان نویسی ایران

نویسنده : ابوالقاسم رادفر

مآخذ: فصلنامه فرهنگ و ادب کرمان ، س ششم ، ش ۱۵ و ۱۶ ، ص ۶۰-۶۹

با مروری اجمالی و گذرا بر تاریخ صدو اندساله داستان نویسی معاصر ایران ،
به شکل و شیوه اروپایی ، می توان طلیعه داستان نویسی بانوان را از سال
۱۲۲۷ ، یعنی سال انتشار مجموعه داستانی خانم سیمین دانشور به نام " آتش
خاموش " دانست . تعداد زنانی که در این مدت آثاری خلق کرده اند - از مجموع
تخمیناً نهمصد نویسنده زن و مرد - تقریباً ۹۵ نفر آن زنانند. نویسنده از میان
این جمع ، شش نفر را به عنوان زنان داستان نویس برگزیده و نخبه معرفی
کرده و درباره آثار و شیوه های نویسندگی آنان توضیحاتی داده است . این
شش نفر عبارتند از : گلی ترقی ، مهشید امیرشاهی ، شهرنوش پارسی ، غزاله
علیزاده ، مهین بهرامی و روانی پور .

نویسنده از میان زنان داستان نویس ، خانم دکتر سیمین دانشور ، همسر جلال
آل احمد و استاد باز نشسته دانشگاه تهران را از نظر پیشکسوتی و کمیت و
کیفیت آثار ، بانوی اول داستان نویسی لقب داده و درباره شرح حال ، آثار و
شیوه نویسندگی او به اختصار سخن رانده است .

داستانهایی که از خانم سیمین دانشور به چاپ رسیده عبارت است از : آتش
خاموش ، شهری چون بهشت ، سووشون و جزیره سرگردانی . از میان این
آثار " سووشون " از نظر سبک ، تکنیک ، تصویرگری ، تعهد و سایر ویژگیهای
داستان خوب ، اوج کارهای داستانی اوست . این کتاب به زبانهای انگلیسی و

ژاپنی نیز ترجمه شده و بحثهای انتقادی زیادی در نشریات مهم اروپا و آمریکا درباره آن شده است .

در فاصله سالهای ۵۲-۱۳۵۶ چند داستان کوتاه نیز در جنگ القبا از خانم سیمین دانشور به چاپ رسیده که نویسنده آنها را نام برده است . در پایان مقاله ، آثار ترجمه ای و برخی از مقالات خانم دانشور ذکر شده است .

عنوان مقاله: مبانی نظری و ویژگیهای تلقی میهنی فرخی یزدی

نویسنده: باقر صدری نیا

مآخذ: ماهنامه ادبیات و فلسفه ، سن سوم ، ش چهارم (بهمن ماه ۱۳۷۸) ص

۱۲-۱۸

پس از انقلاب مشروطیت نیروهای میهنی و فعال در عرصه سیاسی به دو دسته ناسیونالیسم با ستانگرا و نژادپرست و ناسیونالیسم آزادیخواه تقسیم شدند . نویسنده در این مقاله پس از توضیح دیدگاه های هر دو گروه ، با استناد به اشعار فرخی یزدی ، دیدگاه های او را مطابق با دیدگاه ناسیونالیسم آزادیخواه دانسته که این دیدگاه عبارت است از :

۱- دل بستگی به عهد اساطیر و تاریخ باستان . رویکرد فرخی به اسطوره و تاریخ ، برای فراهم آوردن دستمایه ای به منظور برانگیختن غرور ملی و ایجاد حس اعتماد در مردم است تا با اتکا به آن در مقابل مخاطراتی که کیان میهن و ملت را تهدید می کند ، دلیرانه ایستادگی کنند. فرخی - برعکس ناسیونالیسم نژادپرست - در هیچ یک از سروده های خود ، ایران پیش از اسلام را در تضاد با دوره اسلامی قرار نمی دهد و از یاد کرد عظمت ایران ، دشمنی با قوم عرب را نتیجه نمی گیرد.

۲- همسازی اسلام و ملیت . فرخی از عناصر دینی نیز به منظور تحریک حمیت